

قدرت نرم و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱

رامین غیور^۱
هانیه جعفری^۲

چکیده

دیپلماسی هسته‌ای ایران و پنج به علاوه یک به دنبال توافق جامع هسته‌ای در تیرماه ۱۳۹۴، بیش از گذشته در معرض توجه قرار گرفته و به چالش اذهان مبدل گردیده است. از جمله چرایی‌های برخاسته از این رویداد، طرح این مسئله می‌باشد که چه عاملی موجب موفقیت و به‌ثمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای دوازده‌ساله ایران با قدرت‌های جهانی شده است؟ نویسندگان با ریشه‌یابی فضای حاکم بر سیاست خارجی دو طرف دیپلماسی هسته‌ای یعنی ایران و آمریکا، مدعی آن هستند که دولت‌های یادشده برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی، الگوی رفتاری مبتنی بر بعد نرم‌افزاری قدرت را کنش راهبردی خود قرار داده و با تعمیم این الگو به مسئله هسته‌ای ایران، درصدد حل و فصل آن برآمده‌اند. بر این مبنا نوشتار حاضر پرسش مذکور را به این شکل تغییر می‌دهد که چگونه رویکرد نرم‌افزاری قدرت امکان دستیابی به توافق هسته‌ای را فراهم می‌سازد؟ در مقام فرضیه‌پردازی، نویسندگان در پاسخ به این پرسش، با بهره‌گیری از نظریه قدرت نرم جوزف نای و با کاربست روش توصیفی-تحلیلی مطرح می‌سازند که علی‌رغم تفاوت در اهداف، دولت‌های ایران و آمریکا در راستای اثرگذاری بر یکدیگر، از روش‌های مسالمت‌آمیزی چون مذاکره، تعامل، تغییر لحن و ادبیات، اقناع‌سازی و چندجانبه‌گرایی، برای نیل به توافق هسته‌ای و تثبیت آن بهره گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، دیپلماسی هسته‌ای، سیاست خارجی، آمریکا، ایران.

^۱ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران نویسنده مسئول: raminghaur@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

Soft Power and Iranian Nuclear Agreements with 5+1 Countries

Ramin Ghayyoor*

MA of International Relations, University of Mazandaran

Hanieh Jafari

MA of International Relations, University of Mazandaran

Abstract:

Diplomacy between Islamic Republic and 5+1 group on Iran's nuclear program which accomplished to "Joint Comprehensive Plan of Action" in July 2015, more than ever, is considering by public affairs and to challenge the attitudes. Some issues are arising from this event, and the main question is what causes the success and fruition of Iran's nuclear talks with the world powers after 12 year talks? Most of the writers and analyzers around the world, by reviewing the atmosphere of Iran and the United States diplomacy, claim these governments were seeking the model of soft power to reach the agreement on Iran's nuclear program. The main question in this topic is how the soft power could lead the negotiations to Iran nuclear deal? As hypothesised, the authors of this essay believe, despite the differences in objectives of Iran and US, two countries could reach the deal and settle it just by using peaceful means such as negotiation, interaction, changing the tone and rhetoric, persuasion and multilateralism.

Keywords: Soft power, Nuclear diplomacy, Foreign affairs, Iran, US.

مقدمه

مطالعه تاریخیچه دیپلماسی هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴، گویای این مطلب است که از زمان آغاز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، این موضوع همیشه در سطح جهانی و منطقه‌ای، واکنش‌ها و مخالفت‌هایی را در پی داشته است. به طوری که از حیث علاقه‌مندی و تأثیرگذاری بازیگران گوناگون رسمی و غیررسمی، برنامه هسته‌ای ایران، به عنوان چالش‌برانگیزترین موضوع سیاست بین‌الملل در دوره معاصر شناخته می‌شود. همچنین این اهمیت موجب گردیده است تا در مطالعات سیاست بین‌الملل، به مذاکرات هسته‌ای دوازده‌ساله ایران با قدرت‌های جهانی، «عنوان طولانی‌ترین دیپلماسی چندجانبه معاصر جهان اطلاق گردد» (Mousavian, 2014).

از نقطه نظر داخلی نیز، دیپلماسی هسته‌ای به جهت نمایاندن ماهیت دوگانه سیاست خارجی ایران قابل تأمل می‌باشد. به طوری که با نگاه به دیپلماسی فوق‌الذکر، می‌توان در یک جمع‌بندی ماهیت سیاست

* Corresponding Author: Raminghauor@yahoo.com

خارجی ایران را با محوریت دو نگاه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کنش راهبردی دسته‌بندی نمود. نگاه نخست به دوره حاکمیت دولت‌های هفتم و هشتم با تمرکز بر «پذیرش پلورالیسم جهانی، تأکید بر گفتگوی تمدن‌ها و ایده مفاهمه در چهارچوب حل مسئله هسته‌ای ایران مربوط می‌باشد» (Izadi, 2010, pp. 30-33). نگاه دوم با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ رویکرد مسلط سیاست خارجی ایران گردید. رویکرد سخت‌افزاری حاکم بر این دوره در چهارچوب «به زیر سؤال بردن هنجارهای جهانی، اتخاذ رویکرد تهاجمی به غرب و ایده دیپلماسی تهاجمی در جهت حل مسئله هسته‌ای ایران راهبردی گردیده است» (Izadi, 2010, p. 33).

فارغ از پیشینه مطرح‌شده، آنچه که دیپلماسی هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی را بیش از گذشته در معرض توجه قرار داده و به چالش اذهان مبدل گردانده است، توافق جامع هسته‌ای میان ایران و پنج به علاوه یک در تیرماه ۱۳۹۴ می‌باشد که این سؤال اساسی را در اذهان عموم و نخبگان سیاسی نگاره کرده که «چه عاملی موجب موفقیت و به ثمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای دوازده‌ساله ایران با قدرت‌های جهانی شده است؟» برای پاسخ به این سؤال، هر چند می‌توان مسئله را از زوایای مختلفی همچون تحولات منطقه‌ای، چرخش در نگاه نخبگان و یا تحول در آراء افکار عمومی و بالتبع تأثیرگذاری ایشان بر نخبگان بررسی و موشکافی نمود، لیکن در این نگاشته برای رسیدن به مفروضه بنیادین، نویسندگان مبادرت به ریشه‌یابی فضای حاکم بر سیاست خارجی دو طرف دیپلماسی هسته‌ای، یعنی ایران و آمریکا (هدایت‌کننده سایر کشورهای ۵+۱) در برهه زمانی ۹۴-۱۳۹۲ نموده‌اند. در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن حسن روحانی، نگاه نرم‌افزاری کنش راهبردی، مجدداً از حاشیه به متن سیاست خارجی ایران وارد شد. از خصوصیات قابل توجه این نگاه «تأکید بر رویکرد تعامل سازنده با جهان، تنش‌زدایی در عرصه خارجی و ایده توسعه روابط بر مبنای منافع ملی» قابل اشاره می‌باشد (Bagheri & Shafi'ee, 2014).

در نقطه مقابل، اوپاما همزمان با آغاز به کار خود در سال ۲۰۰۹، در برخورد با تهدیدات نامتقارن موجود و تنوع بازیگرانی که در برابر سیاست امنیتی آمریکا مبادرت به چالش‌گری می‌نمایند، بر مبنای نگاه به قدرت نرم به بازتولید و سازمان‌دهی مجدد قدرت ملی آمریکا اقدام کرده و بر این اساس، کنش راهبردی سیاست خارجی خود را بر محوریت بهره‌گیری از دیپلماسی بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی و سیاست تغییر قرار داده است (Motaghi & Poostinchi, 2012). به موازات چنین نگرشی، از آنجا که مسئله هسته‌ای ایران از یک سو هم‌پیوند با امنیت جامعه جهانی می‌باشد و از سوی دیگر شاخص ارتقاء و یا کاهش روابط ایران با جهان قلمداد می‌شود، تصمیم‌گیری راهبردی سیاست خارجی دولت‌های اوپاما و

روحانی بر این مبنا شاکله یافت که می‌توان با بهره‌گیری از رویکرد نرم‌افزاری قدرت، مسئله هسته‌ای ایران را حل و فصل نمود. این در حالی است که روحانی با هدف پیشبرد برنامه هسته‌ای کشور و رفع اختلافات موجود و اوپاما با هدف کنترل و مهار توسعه ظرفیت هسته‌ای ایران، آغازگر دوره نوین مذاکرات هسته‌ای شدند.

بر این مبنا نوشتار حاضر نیز تحت تأثیر این رویکرد، پرسش مذکور را به این شکل تغییر می‌دهد که «چگونه رویکرد نرم‌افزاری قدرت امکان دستیابی به توافق هسته‌ای را فراهم می‌سازد؟» در مقام فرضیه‌پردازی، نویسندگان در پاسخ به این پرسش معتقدند «از آنجا که قدرت نرم بر قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای اثرگذاری (عمدتاً غیرمستقیم) بر رفتار یا علایق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای ناملموس و مسالمت‌آمیز تأکید دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که تأکید طرف‌های مذاکره‌کننده هسته‌ای بر مذاکره، گفت‌وگو، تغییر لحن و ادبیات، اقیانوس‌سازی و چندجانبه‌گرایی، از جمله عوامل ایجابی قدرت نرم در راستای نیل به توافق جامع هسته‌ای می‌باشد».

۱. ادبیات پژوهش

اندیشه‌ورزی بومی در حوزه قدرت نرم، طی سه دهه گذشته، تک‌ساحتی و بسیار کم‌بنیه بوده است. به‌طوری که با نگاهی گذرا بر عناوین موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که مفهوم قدرت نرم در میان محافل دانشگاهی، از لحاظ پرداخت و طبع مطالب به‌روز در این حوزه، از اولویت بالایی برخوردار نمی‌باشد. مرور ادبیات منتشره درباره قدرت نرم و دیپلماسی هسته‌ای ایران و ۵+۱ (۹۴-۱۳۹۲) نشان می‌دهد که به دلیل نوظهور بودن این مفهوم در قاموس سیاست بین‌الملل، افزون بر اینکه پیرامون متغیر وابسته یعنی دیپلماسی هسته‌ای ایران و ۵+۱ پژوهش جامع و علمی چندانی صورت نگرفته است، در مورد نسبت‌سنجی بین دو متغیر یاد شده نیز ادبیات تحقیقی موجود نمی‌باشد. با این حال، چند دسته از آثار حائز اهمیت می‌باشند.

دسته نخست از آثار، منابع عمومی در خصوص تبیین قدرت نرم و وجوه تمایز آن از قدرت سخت می‌باشند که کتاب‌های جوزف نای (The powers to lead, 2008) و (The future of power, 2013) مهم‌ترین این منابع به‌شمار می‌روند. همچنین آثاری چون Powershift: knowledge, wealth, and violence at the edge of the 21st century, 1991) (Culture, Communications and Foreign Policy: A Model for Public Diplomacy, 2004) and حسام‌الدین آشنا از جمله دیگر

منابعی هستند که به تحلیل قدرت نرم پرداخته‌اند و الهام‌بخش چهارچوب نظری این نگاشته محسوب می‌شوند.

دسته دوم از منابع به بررسی دیپلماسی هسته‌ای اختصاص دارد که کتاب‌های (Geneva nuclear talks between Iran and P5+1) از محمدحسن دریایی و (The Islamic Republic of Iran's diplomacy: foreign policy, energy, nuclear) از جهان‌بخش ایزدی سرلوحه این دست از منابع پژوهش می‌باشند. همچنین برای تدقیق بیشتر در امر پژوهش، از کتاب (Hashemi to Rowhani: Iran's foreign policy in the light of Constructivism) نوشته باقری دولت‌آبادی و شفیع‌ی در راستای فهم بهتر سیاست خارجی روحانی بهره گرفته شده است. لیکن لازم به یادآوری است که به جهت به‌روز بودن این موضوع، از سایت‌های داخلی و خارجی و همین‌طور روزنامه‌های معتبر برای مستند نمودن این مبحث استفاده شده است. چنان‌که از مرور اجمالی ادبیات پژوهش پیداست، تعداد اندکی از منابع آن هم فقط از بعد دیپلماسی به تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ (به خصوص در برهه نزدیک به توافق جامع هسته‌ای) پرداخته‌اند و از باب توجه به چگونگی پیشبرد این مذاکرات، مسئله را نکاویده‌اند. بداعت این نگاشته در همین نکته اخیر و پرداخت چگونگی پیشبرد این مذاکرات با تکیه بر ارائه الگوهای رفتاری مبتنی بر بعد نرم‌افزاری قدرت نهفته است.

۲. چهارچوب نظری: قدرت نرم

این تحقیق بر مبنای توجه به رویکردی از قدرت نگاشته شده که به تعبیر استیون لوکس^۱ «بعد سوم قدرت» نام گرفته است. لوکس (۱۹۹۱) معتقد است چهره سوم قدرت، چهره‌ای ایدئولوژیک می‌باشد که از طریق اقناع‌سازی، اقدام به دست‌کاری ذهنیت^۲ مخاطب و تغییر آن می‌نماید (Lukes, 1996, p. 41). در حقیقت این تعبیر لوکس، اشاره‌ای دوباره به ادعای ای‌اچ کار^۳ واقع‌باور مشهور انگلیسی در سال ۱۹۳۹ است که قدرت بین‌المللی را به سه حیطه تقسیم کرده بود: قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت چیرگی بر افکار^۴ (Nye, 2013, p. 120).

-
1. S. Lukes
 2. Mentality
 3. E. H. Carr
 4. Power over opinion

قابل اشاره است که پیشینه نگرش بر بعد نرم‌افزاری قدرت، با اندیشه‌ورزی دانشمندانی چون وبر^۱ (قدرت کارزمایی)، دوگرازا یا^۲ (اجبار مشروع و نامشروع)، کلاوس نور^۳ (نفوذ اجباری و غیراجباری)، مورگنتا^۴ (خصوصیات و روحیه ملی) (Imamzadehfard, 2010) و همین‌طور با تلاش‌های مک لوهان^۵، تافلر^۶، هلد^۷ و کاستلز^۸ در جهت تبیین فرآیند جهانی‌شدن، اهمیت یافتن افکار عمومی، دانایی و اطلاعات در سیاست‌گذاری جهانی نمو یافته است. به عبارت روشن‌تر، چنین فهمی از قدرت بر این تلقی استوار است که در نگاه سخت‌افزاری سیاست‌ورزی جهانی، نوعاً تمرکز بر عینیات چون «ارتش و اقتصاد برنده» است. اما نگاه سیاست در بعد نرم‌افزاری، متمرکز بر عناصر ناملموس همچون «گفتمان‌های برنده» می‌باشد. مفهوم «قدرت نرم»^۹ به‌عنوان نظریه ابداعی جوزف نای، نظریه‌پرداز نئولیبرالیست آمریکایی، طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ در میان محافل آکادمیک شناخته شد. نای با طرح این مفهوم در کتاب «ماهیت متغیر قدرت آمریکا»، در مقابل پیشگویی‌هایی قدعلم کرد که معتقد بودند با پایان یافتن جنگ سرد و در غیاب یک دشمن قدرتمند، منافع و رفتارهای ایالات متحده در سطح جهان با بحران مشروعیت مواجه خواهند شد، لذا هزینه-فایده اقدامات خارجی آن دیگر مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود. اما در مقابل، نای معتقد است امروزه به واسطه پدیده‌هایی همچون انقلاب اطلاعات، قدرت از «سرمایه-ثروت» به «اطلاعات-ثروت» گذر کرده و مسئله اصلی پیش‌روی آمریکا فراتر از توجه به نقش ابرقدرتی و به‌کارگیری گسترده منابع، توانایی کنترل محیط سیاسی و وادار نمودن دیگر کشورها به رفتار مطلوب خود می‌باشد (Nye, 2013, p. 25).

جوزف نای^{۱۰} (۱۹۹۷) در تعریف قدرت نرم می‌نویسد: «قدرت نرم توانایی دستیابی به آنچه می‌خواهی از طریق جذب و اقناع، نه تهدید و اجبار و یا اعطای امتیاز است. قدرت نرم از جذابیت ارزش‌های فرهنگی، باورهای سیاسی و ایدئولوژیکی یک ملت ناشی می‌شود. وقتی سیاست‌های یک

1. M. Weber
2. A. de Grazia
3. C. Knorr
4. H. Morgenthau
5. H. McLuhan
6. A. E. Toffler
7. D. Held
8. M. Castells
9. Soft Power
10. J. Nye

کشور در نظر دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم آن کشور افزایش می‌یابد» (Nye, 2008). به عبارت دیگر مدعای نظریه قدرت نرم در روابط بین‌الملل، توصیف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای اثرگذاری عمدتاً غیرمستقیم بر رفتار یا علایق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای ناملموس و مسالمت‌آمیز است، با این توضیح که قدرت نرم متفاوت از نفوذ می‌باشد. نفوذ می‌تواند بر قدرت سخت، تهدید^۱ یا پاداش^۲ مبتنی باشد، اما قدرت نرم، نه نفوذ که تسلیم‌پذیری بر مبنای رضایت است.

در بررسی شاخص‌های قدرت نرم از منظری دیگر می‌توان به ارکان قدرت نرم توجه داشت. در

این فرآیند حداقل سه رکن اصلی و مهم برای آن قابل شناسایی است:

- باورها و ارزش‌ها: باورها عبارت‌اند از ایمان و اعتقادی که نسبت به وجهی از واقعیت داریم که آن را حقیقتی آزموده شده و دانسته تلقی می‌کنیم. افراد بر اساس باورهای خود، ترجیحات‌شان را متناسب با ارزش‌های خویش نظم و نظام می‌بخشند. ایستارها که از ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای اجتماعی و از بسترهای ویژه تاریخی، اجتماعی، اقلیمی و... ناشی می‌شوند، جوهره قدرت نرم را تشکیل می‌دهند.

- اعتماد: اعتماد اجتماعی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد که افراد منتسب به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (Eftekhari et al., 2008, p. 220).

- اعتبار: در عصر ارتباطات و اطلاعات، تأکید بر اذهان و توجه به معیارهایی چون باورپذیری و اعتبار^۳، منبع حیاتی قدرت نرم به شمار می‌آید. در میان افکار عمومی، اعتبار رهبران و کشورها منشأ تعیین‌کننده در سطح و نوع قضاوت و قابل اعتماد بودن یا نبودن یک کشور می‌باشد. از این رو وجهه مثبت، به دلیل آنچه پارادوکس وفور^۴ در عصر اطلاعات نامیده می‌شود، اهمیتی بیشتر حتی نسبت به گذشته پیدا کرده است (Nye, 2013, p. 147).

اعمال قدرت نرم مستلزم در اختیار داشتن ابزارهای لازم و متناسب با ویژگی‌ها و مختصات مربوط

به محیط اعمال قدرت می‌باشد. از جمله این ویژگی‌ها:

به نظر تافلر (۱۹۸۸) اطلاعات و دانایی، انعطاف‌پذیرترین و بهترین منبع قدرت به شمار می‌رود، زیرا می‌تواند به شخص کمک کند تا چالش‌هایی را رفع نماید که ممکن است به استفاده از زور یا ثروت

1. Coercion
2. Payment
3. Credibility
4. Paradoxy of Plenty

نیاز داشته باشد و اغلب از آن می‌توان برای ترغیب دیگران به انجام کاری به شیوه مطلوب که برخاسته از نفع شخصی است استفاده نمود (Toffler, 1991, p. 801).

همچنین از دیگر شاخص‌های ابزار اعمال قدرت نرم، مسالمت‌آمیز بودن و معطوف بودن به افکار عمومی قابل اشاره است. چه اینکه امروزه این دو شاخص به جهت ضرورت برقراری صلح جهانی و نقش مضاعف افکار عمومی در تصمیم‌گیری کشورها اهمیتی بیش از گذشته پیدا کرده است.

افزون بر این، توجه به محتوای محیط عملیاتی نیز در موفقیت‌آمیز بودن اعمال قدرت نرم، شرطی اساسی به شمار می‌آید. نای (۲۰۰۶) معتقد است: «در حقیقت مفهوم قدرت نرم به این واقعیت اشاره دارد که در قرن ۲۱ مشکل دولت‌ها و فور اموری است که حتی مقتدرترین آنها نیز، به دلیل پراکندگی قدرت میان کشورها و بازیگران غیر از دولت‌ها، سرنخی از آنها در دست ندارند. اعمال قدرت از این منظر، به نوعی بازی با حاصل جمع مثبت مبدل می‌شود که در آن نمی‌توان در اندیشه اعمال قدرت بر دیگران بود. برای تحقق اهداف پیش‌رو، می‌بایست به اعمال قدرت با دیگران اندیشید» (Nye, 2013, p. 19).

با توجه به شاخص‌های فوق‌الذکر، دیپلماسی از آن جهت که در درجه اول «تاکتیک اصلی آن مذاکره» و در درجه دوم «مجرای تماس برای اعلام مواضع، جمع‌آوری اطلاعات و راضی و قانع کردن یک کشور برای حمایت از مواضع کشور دیگر می‌باشد» (Ashna, 2004, p. 6)، مهم‌ترین ابزار کشورها در راستای بهره‌گیری از دانایی و اطلاعات و تلاش در جهت اقتناع و رضایت‌سازی می‌باشد.

همچنین با توجه به اهمیت افکار عمومی، شاخه‌ای از دیپلماسی با عنوان دیپلماسی عمومی^۱ بر پایه خلق هویت و تصویرسازی^۲ کاربردی می‌گردد. آژانس اطلاعات ایالات متحده، دیپلماسی عمومی را به معنای تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفتگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور و همتایان خارجی تعریف می‌کند (Ashna, 2004, p. 9). از جمله فعالیت‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی، انتشار کتاب، برگزاری همایش‌های فرهنگی و پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی بین‌المللی قابل اشاره می‌باشد.

از سوی دیگر گسترش ابعاد ارتباطات بین‌المللی، موجب توسعه راهبرد چندجانبه‌گرایی^۳ در عرصه روابط بین‌الملل گردیده است. به نظر نای (۲۰۰۶)، ساختار کنونی دستورکار سیاست جهانی، شباهت

-
1. Public Diplomacy
 2. Image Making
 3. Multilateralism

فراوانی با یک بازی شطرنج سه بعدی دارد که در آن بازیگر برنده کسی است که می‌تواند به شکل عمودی و افقی (مسائل امنیتی، اقتصادی، زیست انسانی) همراه با سایر کشورها خوب بازی کند (Nye, 2013, p. 20).

امروزه کشورها در چهارچوب ساختار نوین جهانی، از رویکرد نرم‌افزاری قدرت در جهت کارکردهایی چون شکل دادن به تصویر ذهنی مثبت از اعمال‌کننده قدرت نرم در نظر مخاطب آن، ایجاد رضایت‌مندی در افکار عمومی، افزایش و ارتقاء سطح اعتبار و به تمکین واداشتن جامعه هدف بدون به کارگیری اهرم‌ها و ابزارهای قدرت سخت بهره می‌گیرند.

۳. قدرت نرم و دیپلماسی هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱

نوشتار حاضر در اساس به دنبال آن است تا نقش الگوی رفتاری مبتنی بر قدرت نرم را در دیپلماسی هسته‌ای ایران و کشورهای پنج به علاوه یک بررسی نماید. البته، با عنایت به اینکه روحانی با هدف پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران و رفع اختلافات موجود و اوپاما با هدف کنترل و مهار توسعه ظرفیت هسته‌ای ایران، آغازگر مذاکرات هسته‌ای شدند، این قسمت در قالب دو بخش مجزا به بررسی موضوع پرداخته است.

۳-۱- قدرت نرم به مثابه ابزار پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران

با روی کار آمدن حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، گفتمان اعتدال‌گرایی با طرح شعارهایی چون توسعه‌گرایی، عدالت اجتماعی و تنش‌زدایی در روابط خارجی، جایگزین گفتمان عدالت‌خواهی گردید. به باور این گفتمان، دیپلماسی تهاجمی و تنش‌زایی در روابط خارجی، منجر به این گردید تا ایران عملاً وارد فاز امنیتی شده و زمینه را برای تحقق رشد و توسعه همه‌جانبه کشور کاهش دهد. بر مبنای همین انگاره، گفتمان جدید درصدد برآمد تا برای پرونرفت از بحران و حرکت در مسیر توسعه به‌خصوص در چهارچوب سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، رویکرد «تعامل سازنده با جهان» را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دهد (Reza'ee & Torabi, 2013, p. 132). به عبارت روشن‌تر، نگاه به واقعیات موجود در عرصه داخلی و خارجی، گویای طیفی از عوامل مؤثر در اتخاذ رویکرد تعامل سازنده با جهان می‌باشد. از جمله این عوامل، رکود اقتصادی و تورم فزاینده ناشی از سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد، و از آن مهم‌تر دیپلماسی تقابلی‌گرایی احمدی‌نژاد می‌باشد که منجر به تحریم‌های کم‌سابقه و سنگین بر شریان‌های اقتصادی و سیاسی کشور شد.

افزون بر این، عدم مذاکره مطلوب با قدرت‌های جهانی بر سر مسئله هسته‌ای ایران و همین‌طور طرح موضوعات غیرضروری چون انکار هلوکاست، موجب گردید تا ایران وارد یک حیطه امنیتی شده و از این لحاظ با پردازش راهبرد «ایران‌هراسی» توسط غربی‌ها، کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی منزوی گردد.

عامل ایجابی دیگر با خصلت‌های ذاتی و روان‌شناختی حسن روحانی هم‌پیوند می‌باشد. تأکید بر اصولی چون اعتدال، تکثرگرایی و هم‌زیستی مصالحه‌گرا از جمله شاخص‌های رفتاری حسن روحانی است که بسترساز حرکت در مسیر تعامل برای حل مشکلات پیش‌رو می‌باشد. با نگاه به عوامل پیش‌گفته، حسن روحانی (۲۰۱۳) معتقد است: «اساس سیاست خارجی باید در راستای تأمین منافع ملی و امنیت ملی کشور باشد. در این راستا، اگر سیاست خارجی قادر بود منافع ملی را تضمین و کشور را به سمت توسعه و گسترش همه‌جانبه سوق دهد و به عبارتی هزینه‌ها را کاهش و سودها را افزایش دهد، این سیاست خارجی مطلوب خواهد بود» (Rouhani, 2013A). همچنین وی در رابطه با چگونگی حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران می‌افزاید: «هم برای ایران و هم برای مخالفان برنامه هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، تنها روش، گفت‌وگو و مذاکره است. مقصود دولت بایستی در نهایت این باشد که تحریم‌ها زدوده شود؛ چراکه به سود ملت ما نمی‌باشد. اینکه در کدام نشست و به چه شکل موضوع لغو تحریم‌ها را مطرح کنیم، یک تاکتیک مذاکره‌ای است. باید راهکارها و لحن و ادبیات‌مان، کمی تغییر کنند. باید به نوعی با دنیا در تعامل باشیم که هزینه‌های‌مان را کاهش دهیم و خود را به مقاصدی که در سند چشم‌انداز است، نزدیک کنیم» (Rouhani, 2013B).

در همین راستا روحانی با اذعان به نقش و جایگاه ایالات متحده در معادلات بین‌المللی، راهبرد سیاست خارجی خود را بر مبنای کنارگذاشتن «دیپلماسی نیابتی»^۱ و برقراری گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا به جای اتحادیه اروپا سازمان‌دهی می‌نماید. روحانی بر این عقیده است که «قطعاً دوستی و دشمنی با دنیا دائمی نیست و اگر بتوانیم تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم، این بهترین اقدام است» (Rouhani, 2013C). اتخاذ چنین رویکردی، با تأیید رهبری نظام به‌عنوان تصمیم‌گیر اصلی کشور همراه گردید. آیت‌الله خامنه‌ای با بیان تعبیر «نرمش قهرمانانه» ضمن تأیید راهبرد سیاست خارجی، «اختیارات کامل و بی‌سابقه‌ای» را به رئیس‌جمهور در جهت پیشبرد این رویکرد اعطا نمودند (Bagheri & Shafi'ee, 2014, p. 353).

1. Proxy Diplomacy

با عنایت به این مسئله، روحانی پیش از شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل (مهر ۱۳۹۲)، با هدف تبیین «رویکرد جدید» ایران برای افکار عمومی جهان، مقاله‌ای را در روزنامه واشنگتن پست منتشر می‌نماید. وی می‌نویسد: «تکمیل چرخه تولید سوخت اتمی و تولید انرژی هسته‌ای نه فقط برای ایران از نظر دستیابی به منابع متنوع انرژی مهم است، بلکه یک مسئله هویتی است و از نظر حیثیت و جایگاه ایران در جهان نیز اهمیت دارد... لیکن ایران آمادگی دارد برای تعامل سازنده و مدبرانه برای رسیدن به نتایج برد-برد در عرصه‌های مختلف وارد شود» (Rouhani, 2013D).

حضور روحانی در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، با بازنمایی^۱ متفاوت و واقع‌بینانه الگوی رفتاری ایران همراه گردید. در این سفر روحانی ضمن تأکید دوباره بر اعمال حقوق ایران و ضرورت احترام و همکاری بین‌المللی در اعمال این حقوق، از آمادگی کشور برای گفت‌وگوهای بدون تأخیر برای اعتمادسازی متقابل و رفع دوسویه ابهامات از طریق شفافیت کامل خبر داد. رویکرد جدید روحانی موجب گردید تا در پایان این نشست و پس از سال‌ها، تابوی تماس و گفت‌وگوی تلفنی رؤسای جمهور ایران و آمریکا شکسته شود. در جریان این گفت‌وگو، روحانی برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را فراتر از حق مشروع و قانونی خود در چهارچوب NPT خواند و آن را نمادی از غرور ملی ایران دانست. او با ما نیز برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را تأیید کرد (Bagheri & Shafi'ee, 2014, p. 354).

با انتقال پرونده هسته‌ای ایران از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه، محمدجواد ظریف مسئولیت پیشبرد و اجرای آن را برعهده گرفت. ظریف با بیان اینکه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، طبق حقوق بین‌الملل برای ایران موجود است، مذاکره را تنها راه حل و فصل موضوع هسته‌ای و تغییردهنده تصور غلط طرف‌های مذاکره‌کننده از الگوی رفتاری جمهوری اسلامی می‌داند. در این خصوص ظریف (۲۰۱۳) می‌گوید: «تحریم‌ها فشار بر مردم ایجاد می‌کنند، اما سبب تغییر سیاست نمی‌شوند و غربی‌ها هم خود این را می‌دانند و در حال حاضر، تحریم‌ها بیش از هر چیزی به مردم عادی ضربه می‌زند و همین مردم عادی هم حاضر نیستند که دولت از حقوق‌شان صرف‌نظر کند... طرف مقابل هنوز به این فهم نرسیده که نمی‌توان در دنیای امروز به هزینه دیگران به رفاه و پیشرفت رسید. اگر می‌شد بعد از یازده سپتامبر باید همه چیز آرام می‌شد... ما نیازمندیم دیگران را به درک این واقعیت وادار کنیم که تنها از راه بازی برد-برد می‌توان به

1. Representation

نفع جمعی رسید» (Zarif, 2013A). همچنین وی در ادامه و در تشریح یک دیپلماسی موفق که ضامن دستاوردهای هسته‌ای و عامل برون‌رفت ایران از انزوا و بحران امنیتی باشد، بیان می‌دارد: «باید این واقعیت را قبول کنیم که در جهان امروز، قدرت مؤلفه‌های جدیدی پیدا کرده است. توان معنایی که جمهوری اسلامی داشته، چیزی است که این دولت قصد دارد از آن استفاده کند و سیاست‌های جمهوری اسلامی را به پیش برد. صحنه دیپلماسی، یک مسابقه جلدی در به دست آوردن منابعی است که برای شما قدرت ایجاد می‌کند. امروز احساسات هم جهانی شده، در واقع نحوه ارائه دیدگاه‌های شما، می‌تواند برای شما در سطح دنیا نفوذ یا آسیب‌پذیری ایجاد کند» (Zarif, 2013A).

بر این اساس و با توجه به زمینه‌های ایجادشده در داخل کشور و همین‌طور در نزد طرف غربی، محمدجواد ظریف به دنبال آن است تا با غلبه بر فضای زیستمانی احساسی-ایدئولوژیک^۱ حاکم بر روابط میان ایران و غرب به خصوص آمریکا، بتواند سه مرحله متصور برای یک مذاکره را به پیش برد: مرحله گفت‌وگوهای مقدماتی برای رسیدن به نقاط اشتراک میان طرفین، مرحله پیش‌مذاکره و ترسیم چهارچوب‌های کلی، و دوره مذاکره که به تعیین تمام جزئیات و دقایق تفاهم و همچنین تدوین تفاهم معطوف است. به این منظور ظریف برای جایگزین ساختن این فضا با یک فضای مبتنی بر زیستمان فرهنگی-مدنی که وجه غالب آن گفتمان محوری و مصالحه‌گرایی است، در مسیر بهره‌گیری از الگوی نرم‌افزاری قدرت حرکت می‌نماید.

الف) نرم‌افزارگرایی راهبردی ظریف در فضای معطوف به مذاکرات هسته‌ای

در فرآیند معطوف به راهبرد نرم‌افزاری قدرت، محمدجواد ظریف با دو سطح فضای جهانی و نخبه سیاسی در جهت تغییر انگاره‌های متصلب موجود مواجه می‌باشد. بر این اساس، وی با نگاه به تعبیر جهانی موجود از ایران گذشته همچون «برهم‌زننده امنیت و ثبات مطلوب منطقه و جهان» (Ahadi, 2009, p.7)، برای بهبود تصویر ایران در اذهان ملت‌ها و دولت‌ها، کنش راهبردی خود را بر مبنای مکالمه عمومی با مردم و نخبگان جهان تعریف می‌نماید. ظریف (۲۰۱۳) بر این اعتقاد است که «شرایط جهانی اقتضاء می‌کند شما از مجموعه دیپلماسی‌ها استفاده کنید. دیپلماسی عمومی مهم است، اما باید توجه داشت که هیچ یک از ابعاد مختلف دیپلماسی، نباید به هزینه بعد دیگری از دیپلماسی شکل بگیرد» (Zarif, 2013A). در این چهارچوب ظریف پیش از سفر به نیویورک، در توییت شخصی خود ضمن تبریک روش هشانا

(سال نوی یهودیان) بیان داشت انکار کننده هلوکاست رفته است و جمهوری اسلامی منکر هلوکاست نیست. این اقدام ظریف با واکنش رایین رایت (عضو انستیتوی صلح آمریکا) مواجه گردید. رایت عنوان نمود: این اثرگذارترین دیپلماسی عمومی ایران در سی و چهار سال گذشته است (Entekhab, 2013A). مطابق با این فرآیند، ظریف توانست با به کارگیری منطقی ابزارهای دیپلماسی عمومی چون نگارش مقاله در نشریات معتبر خارجی، مصاحبه با خبرگزاری‌ها، حضور در فضای مجازی و ارسال پیام ویدیویی در حین مذاکرات هسته‌ای، تصویر جهانی ایران را بهبود بخشد. به طوری که رسانه‌های جهانی در واکنش به رویکرد جدید ایران در زمینه هسته‌ای، ایران را با تعبیری چون کشوری منعطف، تعامل‌گرا و خواهان ثبات در جهان توصیف نمودند (Foreign policy, 2015; The guardian, 2013).

از سوی دیگر، ظریف با آگاهی از این مسئله که طرف مقابل «نوعاً با برداشتی منفی و غلط به ایران و الگوی رفتاری کشور می‌نگرد» (Zarif, 2014)، به دنبال آن است تا با استفاده از تاکتیک‌های ارتباطی متنوع، ذهنیت شکل گرفته طرف مقابل را بشکند. به این منظور وی با اذعان به ناکارآمدی برخورد «ایدئولوژیک و متصلبانه تیم هسته‌ای پیشین» (Cheginizadeh, 2006, p.383)، واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری را سرلوحه کنش ارتباطی^۱ مدنظر خود می‌سازد. بر این اساس ظریف در اولین دیدار با وزرای خارجه پنج به علاوه یک در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل (مهر ۱۳۹۲)، رفتار خود را بر خصلت‌هایی چون صمیمیت، لبخند و شوخی‌های مرسوم بنا می‌نهد تا از طریق یک کنش گفتاری^۲ جدید موسوم به دیپلماسی لبخند^۳، علاوه بر ایجاد یک فضای مثبت، آن را به یک عامل ایجابی و مؤثر در جهت پیشبرد هدف اساسی خود تبدیل نماید. در این خصوص جان کری پس از اولین دیدار با ظریف در ۵ مهر ۱۳۹۲ می‌گوید: «با ظریف ملاقات داشتم، لحن و نوع ارائه او حقیقتاً متفاوت بود. بسیار خوشنودم». ویلیام هیگ (وزیر خارجه انگلیس) نیز بیان داشت: «یک بهبودی بزرگ در لحن و روح ظریف مشاهده شد».

۱. نظریه کنش ارتباطی (Communicative action) هابرماس بیانگر این است که فرد عامل برای به دست آوردن تفاهم و توافق، هیچ سلاحی جز استدلال منطقی و قانع کننده در پیش ندارد.

۲. نظریه کنش گفتاری (Speech act) جان لانگشاو آستین بیانگر این است که زبان به کار گرفته می‌شود تا جهان را بازنمایی کند، یعنی نشان دهد که چه هست و چه نیست.

۳. دیپلماسی لبخند عنوانی ژورنالیستی است که بیانگر تغییر در پارادایم سیاست خارجی ایران از دیپلماسی تقابلی‌گرا به دیپلماسی تعامل‌گرا می‌باشد که به جهت نوع رفتار صمیمانه و همراه با لبخند محمدجواد ظریف با همتایان خارجی، به این عنوان معروف گردیده است.

کاترین اشتون (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) نیز از این دیدار با تعبیر «دیدار سازنده و پرمحتوا» یاد کرد (Entekhab, 2013B).

در این میان وی (۲۰۱۵) با توجه به انگیزه اصلی غربی‌ها از بهانه هسته‌ای مبنی بر تخلیه ایران از قدرت معنایی خود در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در رابطه با راه مواجهه با جنگ روانی غرب می‌گوید: «آنها در این راستا می‌خواستند ایران را به موجودی خطرناک تبدیل کنند و پروژه امنیت‌سازی ایران را آغاز کردند و رژیم صهیونیستی سعی کرد خطری که برای خود حس می‌کند، به‌عنوان خطری برای کل دنیا تبدیل کند. به این منظور ما در طول مذاکرات، همواره به فتوای فقهی آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر حرمت ساخت بمب هسته‌ای تأکید می‌کردیم» (Zarif, 2014). مطرح شدن این فتوا به مثابه یک ابزار نرم‌افزارانه و استراتژیک، با نگاه به مابه‌ازاء کاربردی آن در سخنرانی اوپاما اهمیت بیشتری یافت. اوپاما (۲۰۱۳) در سخنرانی خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل (مهر ۱۳۹۲)، با تصریح بر فتوای آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان بسترساز اعتماد متقابل، بیان می‌دارد: «رهبر ارشد ایران فتوایی درباره منع تولید سلاح هسته‌ای صادر کرده است و حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران هم تأکید کرد کشورش سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد. این دو موضع‌گیری باید مبنایی برای حل مسئله هسته‌ای ایران قرار بگیرد تا حقوق ملت ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، محقق شود و درعین حال تضمین شود که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است» (Obama, 2013A).

با توجه به این دست از اقدامات صورت گرفته، ظریف با مثبت ارزیابی کردن فضای عمومی گفت‌وگوها چه درون مذاکره و چه بیرون آن، به دنبال آن است تا با یک ایستارسازی مؤثر و منطقی، درک مشترکی را از مسئله و راه‌حل مسئله میان خود و سایر وزرای امور خارجه ایجاد نماید. در حقیقت وی (۲۰۱۳) با آگاهی از اینکه ایستار طرف مقابل، مفروضه‌ای برای سنجش دوستی یا دشمنی، اعتماد یا عدم اعتماد نسبت به ایران می‌باشد، در مصاحبه خود پس از اولین دور از مذاکرات (مهر ۱۳۹۲) می‌گوید: «ما احساس می‌کنیم که دلیلی برای نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران نیست و هدف ما ایجاد می‌کند که نگرانی‌های احتمالی را رفع کنیم و امیدواریم با متانت و صبر و اجماع داخلی، مذاکرات را پیش ببریم و خوش‌بین هستیم که بتوانیم به اهداف مشترک برسیم. این مذاکرات نشان می‌دهد که دو طرف جدی هستند و می‌خواهند زمینه مشترکی را ایجاد کنند و ما با همکاران خود این موضوع را پیگیری کرده و این را به تهران منتقل خواهیم کرد و ما با اراده کافی سیاسی می‌توانیم مشکلات را رفع کنیم» (Zarif, 2013B). ظریف در چهارچوب این هدف، از یک مدل دیپلماسی چندجانبه، فعال و فشرده بهره گرفت. به‌طوری‌که

با وجود طیف متنوعی از موضوعات فنی، حقوقی و سیاسی، تیم هسته‌ای ایران توانست با جلسات فشرده‌ی دو جانبه و چند جانبه با دیگر طرف‌های مذاکره‌کننده، به اسلویی تحت عنوان «دستور کار اقدام مشترک» (۳ آذر ۱۳۹۲) دست یابد. به عبارت روشن‌تر، توافق موقت ژنو توانست بر مبنای یک ایستار مشترک، باورها و منافع طرفین را بازتولید کرده و از باور تخاصم بر مبنای منافع استراتژیک، به باور تعامل بر مبنای منافع متقابل سوق دهد. چه اینکه صحت مدعای فوق از مقدمه‌مندرج در متن توافق ژنو مستفاد می‌شود. «بر اساس این توافق‌نامه که برای رسیدن به یک راه‌حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین و با هدف تضمین نمودن صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران امضا گردید، طرفین به صورت داوطلبانه متعهد می‌شوند تا اقدامات متقابلی را به‌عنوان گام اول یک راه‌حل جامع انجام دهند» (Joint Comprehensive Plan of Action, 2013).

به موازات عمل به تعهدات توافق ژنو و رضایت طرف مقابل از همکاری ایران، ضرورت مصالحه‌گرایی^۱ ظریف را بر آن داشت تا در جهت بازتعریف اهداف و مطلوبیت‌های موردنظر و غلبه بر فضای رئالیستی و پرتنش مذاکرات، به تغییر تاکتیک در روال دیپلماسی هسته‌ای روی آورد. تاکتیک جدید ظریف در جریان پیاده‌روی با جان کری در حاشیه مذاکرات هسته‌ای ژنو در دی ماه ۱۳۹۳ پدیدار گردید^۲ که علاوه بر جنبه کاربردی، «از مقیاس هنجاری نیز حامل این باور برای جهانیان بود که می‌توان با حسن نیت نسبت به طرف مقابل، نوعی روابط دوستانه برقرار کرد تا بتوان از این طریق، مسائل را در فضایی خصوصی‌تر حل و فصل نمود» (Harmidasbavand, 2014).

پیامدهای عملی چنین ادبیاتی، با رسیدن به تفاهم لوزان (فروردین ۹۴) و توافق وین میان ایران و قدرت‌های جهانی پس از دوازده سال مذاکره نمایان گردید. در این میان چگونگی برخورد با دو توافق فوق‌الذکر، مسئله دیگری را میان ایران و قدرت‌های درگیر در مذاکرات گشود. بر این مبنای اگرچه مذاکره‌کنندگان، با تفاهم لوزان به مثابه یک بیانیه یا توافق سیاسی غیرالزام‌آور برخورد نمودند، اما در مورد توافق وین، به واسطه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و با استناد به «ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ معاهدات وین که بیان داشته است هر نوع توافق بین‌المللی که میان کشورها به صورت کتبی منعقد می‌شود مشمول حقوق

۱. مصالحه‌گرایی فرآیندی است که به موجب آن بین منافع بازیگران درگیر در یک مناقشه، تعامل همکاری‌جویانه بر اساس حداکثرسازی «سود مشترک» حاصل می‌گردد (Motaghi, 2015, p. 163).

۲. عنوان ژورنالیستی «دیپلماسی پیاده‌روی» برای نمایانیدن رخداد پیاده‌روی ظریف و کری کاربردی گردیده است. چه اینکه این رخداد به جهت عدم پیشینه و نقطه عطف بودن در روابط ایران و آمریکا پس از سال‌ها خصومت، حائز اهمیت می‌باشد.

بین الملل است» (Nasiri, 2011, p. 113) بر این نظر می‌باشند که توافق مزبور، یک سند حقوقی بین‌المللی است و دارای وضعیت الزام‌آور می‌باشد.

ب) نرم‌افزارگرایی راهبردی ظریف در فضای پس از توافق جامع هسته‌ای

ظریف در امتداد راهبرد نرم‌افزاری خود، پس از توافق جامع هسته‌ای نیز با هدف اقناع متحدان و کشورهای همسایه ایران و همین‌طور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقدام به ارائه الگوی رفتاری متناسب با هدف فوق‌الذکر نمود.

بر این اساس، ظریف با هدف نمایاندن مطلوبیت‌های توافق حاصله برای کشورهای منطقه و همین‌طور زدودن تصورات ناشی از سیاست ایران‌هراسی، اقدام به پیگیری یک دیپلماسی فعال منطقه‌ای نمود. وی با سفر به کشورهای چوچون قطر، کویت، لبنان، سوریه، عراق و پاکستان طرح‌های مختلفی را در زمینه سیاسی، اقتصادی و امنیتی ارائه کرد. به‌طور مثال در بعد سیاسی-امنیتی، ظریف مبدع طرح «مجمع گفت‌وگو در خلیج فارس» یا «گروه ۷+۱» می‌باشد که در زمینه اهداف تشکیل این مجمع، به مسئله فراهم کردن بستری برای مفاهمه و نزدیک کردن دیدگاه‌ها به منظور کاهش سوء تفاهمات و اختلافات اشاره شده است. پیرامون دستاوردهای این دیپلماسی، این اشاره کافی است که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به‌رغم انکارهای اولیه، با نفس توافق موافقت کرده و از طرح ایران مبنی بر همکاری جمعی در راستای تأمین امنیت منطقه استقبال نمودند.

به موازات این تلاش‌ها، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به سرپرستی محمدجواد ظریف سعی نمود تا با تشریح دستاوردهای مثبت توافق جامع هسته‌ای، نمایندگان عضو کمیسیون بررسی برجام، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و همین‌طور سایر نمایندگان را در جهت تأیید توافق متقاعد نماید. عملکرد موفق وی در این زمینه موجب گردید تا نمایندگان مجلس ضمن تأیید کلیات «برنامه جامع اقدام مشترک»، با تصویب طرح «اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی ایران» در مورد اجرای برجام، با این توافق موافقت نمایند.

۳-۲- قدرت نرم به مثابه ابزار کنترل و مهار توسعه ظرفیت هسته‌ای ایران

باراک اوباما و دموکرات‌ها در سال ۲۰۰۹ میلادی (دور دوم ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷)، جایگزین جمهوری خواهان در کاخ سفید شدند و با شعار «مذاکره و تعامل»، به جای دکتترین جنگ پیش‌گیرانه^۲ و

۱. G7. ایران و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (قطر، عمان، کویت، بحرین، عربستان، امارات).

اقدام یک‌جانبه^۱ بوش، بر دیپلماسی بین‌المللی^۲ و اتحادسازی^۳ تأکید داشتند. با وجود آنکه اولویت‌های منطقه‌ای و موضوعی اوپاما، ترکیبی از تداوم و تغییر نسبت به دوره نئومحافظه‌کاران است، اما از نظر تئوریک، اوپاما آمیخته‌ای از رئالیسم و نهادگرایی لیبرال را دنبال می‌کند و خواهان رهبری جهان در کنار متحدان، و همکاری و نه تک‌روی می‌باشد (abdolahkhani & Kardan, 2011, pp.40-43).

در حقیقت اتخاذ چنین راهبردی، انعکاس طبیعی مقتضیات عصر پساجنگ سرد در سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی ایالات متحده محسوب می‌شود. اهمیت ساختار قدرت و ثبات آن در نظم نوین بین‌الملل و این مسئله که ابزارهای استراتژیک بازیگران برای تأثیر بر فرآیندهای سیاست بین‌الملل از نشانه‌های هویت، ایدئولوژی، هنجار و ایستار بهره می‌گیرد، موجب گردید تا سیاست‌گذاران خارجی و امنیتی آمریکا به بازتعریف ساختار موجود، نوع رفتار و معادله قدرت بازیگران بپردازند. تجزیه و تحلیل موارد فوق‌الذکر، سیاست‌گذاران آمریکایی را به این نتیجه رساند که ساختار موجود علاوه بر اینکه مبتنی بر آثار می‌باشد، موجب گردیده است تا بازیگران منطقه‌ای نقشی تأثیرگذار در شکل‌بندی ساختاری سیاست بین‌الملل ایفا نمایند. از سوی دیگر تغییر و تحولات ایجادشده همچون انقلاب اطلاعات، صلح‌طلبی جهانی و مذمت جنگ‌افروزی، باعث شده است تا رفتار بازیگران چه قدرت‌های جهانی و چه قدرت‌های منطقه‌ای برای به‌چالش کشیدن معادله قدرت، بر مبنای دوری از قابلیت‌های سخت‌افزاری کنش راهبردی و تأکید بر الگوی نرم‌افزاری قدرت به جهت مشروعیت و مقبولیت جهانی شاکله یابد.

به موازات چنین تحلیل‌هایی، باراک اوپاما بر مبنای نگاه به الگوی نرم‌افزاری قدرت، به بازتولید و سازمان‌دهی مجدد قدرت ملی آمریکا مبادرت می‌نماید. بر مبنای همین نگاه، اوپاما در برخورد با کشورهایی که در معرض کنش هویتی قرار داشته و به دنبال دگرگونی در معادله قدرت هستند، کنش راهبردی سیاست خارجی خود را بر محوریت سیاست تغییر^۴ در حوزه‌های جغرافیایی مختلف قرار داد. بر این اساس، از آنجا که در بین کشورهای منطقه‌ای، ایران و کره شمالی در سلسله‌مراتب تهدیدات منطقه‌ای آمریکا قرار داشتند، طرح‌ریزی دفاعی، استراتژیک و عملیاتی آمریکا در راستای محدودسازی و مقابله با چنین بازیگرانی سامان‌دهی گردید. از این رو اوپاما از همان سال اول ریاست جمهوری خود، درصدد

-
1. Unilateral Action
 2. International Diplomacy
 3. Alliance-building
 4. Change Policy

برآمد تا با پیگیری استراتژی‌های مختلف، در سیاست‌های ایران به‌خصوص در زمینه هسته‌ای تغییر رفتار^۱ ایجاد نماید (Motaghi & poostinchi, 2012).

نگرش اوباما به مسئله هسته‌ای ایران، با دو استراتژی متفاوت در دوره احمدی‌نژاد و در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ همراه بود. در سال ۲۰۰۹ اوباما به واسطه اینکه ابزارهای بازدارندگی همچون تحریم و منزوی ساختن را ناتوان از جلوگیری از توسعه ظرفیت هسته‌ای ایران می‌دانست، دیپلماسی را حداقل در جهت کاستن از شتاب توسعه هسته‌ای، کارآمد توصیف می‌کرد (Parasiliti, 2009, p.1). بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ با رسیدن توان‌مندی غنی‌سازی ایران به ۲۰ درصد، اوباما با بی‌نتیجه دانستن دیپلماسی تعامل‌گرا، به اقداماتی همچون حملات سایبری به مراکز هسته‌ای ایران و تحریم و اعمال فشار به کشورهای ثالث روی آورد (Jervis, 2013).

با این وجود در اواسط سال ۲۰۱۲، تغییرات محسوسی در استراتژی سیاست خارجی احمدی‌نژاد و اوباما حاصل شد. همزمان با کم‌رنگ شدن بعد ایدئولوژیک و تهاجمی دیپلماسی احمدی‌نژاد و تمایل وی به پیگیری جدی مذاکره برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران، اوباما نیز در یک چرخش نظر، راهبرد دیپلماسی را کنش راهبردی سیاست خارجی آمریکا قرار داد. این تغییر رویکرد موجب شد تا مذاکرات محرمانه‌ای میان ایران و آمریکا در عمان آغاز گردد. این در حالی است که اوباما پیش‌تر از این، زمانی که تنها سه ماه از دوره نخست ریاست جمهوری خود گذشته بود، با اذعان به اینکه پس از سی سال دشمنی متقابل و نهادینه‌شده ایران و آمریکا فضای اندکی برای مانور وجود دارد، به این نتیجه رسید که شرط موفقیت در دیپلماسی، دگرگونی در ادبیات و لحن کاربردی ملت و دولت دو طرف و دوری از خطاب یکدیگر با عناوینی چون شیطان بزرگ^۲ و محور شرارت^۳ است. بر این اساس وی طی یک پیام ویدئویی سه‌ونیم دقیقه‌ای، نوروز سال ۱۳۸۸ را به ملت و دولت ایران تبریک گفت و بیان داشت که رویکرد دولت وی برخلاف راهبرد تهاجمی دولت بوش، بر محوریت دیپلماسی و ضرورت آشتی میان آمریکا و ایران پردازش گردیده است (Parsi & Myers, 2012, pp. 2-3).

اوباما در دوره دوم ریاست جمهوری خود هم‌زمان با انتخاب حسن روحانی به‌عنوان یک چهره معتدل در ایران (۲۰۱۳)، به‌طور جدی گزینه مذاکره و دیپلماسی را با ارسال پیغام‌های محرمانه‌ای برای

-
1. Behavior Change
 2. The Great Satan
 3. Axis of Evil

آیت‌الله خامنه‌ای و حسن روحانی از طریق پادشاه عمان پیگیری نمود (Nader, 2013). علت این گزینش، با طیفی از واقعیات مؤثر بر ادراک نخبگان سیاسی - امنیتی آمریکا همچون درک آنها از نظام سیاسی و محیط داخلی ایران و همچنین محدودیت‌های قدرت و منابع ایالات متحده هم‌پیوند بود.

اول اینکه اوباما در هنگامه انتخابات سال ۲۰۰۸، تعامل با ایران را از جمله وعده‌های انتخاباتی خود عنوان نمود. اما با گذشت چند سال از انتخابات مذکور و عملی نشدن این وعده، وی متوجه شد که در میان افکار عمومی، سرمایه سیاسی خود را از دست داده است. به این منظور اوباما در دوره دوم ریاست جمهوری خود با کاهش فشارهای داخلی، به دنبال آن بود تا با حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران، ضمن اینکه یک میراث تاریخی از دولت خود بر جای می‌گذاشت، سرمایه سیاسی و اعتماد ازدست‌رفته خود را نیز ترمیم نماید (Emery, 2013).

افزون بر این، بی‌ثمر بودن تحریم‌های اعمالی گوناگون علیه ایران، اوباما را در اتخاذ چنین راهبردی مصمم تر نمود. اوباما در مصاحبه با خبرنگاری رویتز چنین بیان می‌دارد: «باید به مذاکرات فرصت داد و اگر این مذاکرات رسیدن به تسلیحات هسته‌ای را حتی تا یک سال هم عقب تر برساند مطلوب است و نباید آنها را متوقف کرد. ما نزدیک به یک دهه ایران را تحریم کردیم و در مقابل این تحریم‌ها ایران تعداد سانتریفیوژهایش را از ۳۰۰ به ده‌ها هزار رساند...» (Obama, 2015A).

عامل مؤثر دیگر را می‌توان با ادراک نخبگان اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل از فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرتبط دانست. برداشت جامعه اطلاعاتی آمریکا بر این اصل استوار گردیده بود که ایران با وجود پیشرفت در غنی‌سازی اورانیوم، توانایی تولید سلاح هسته‌ای نداشته و انحرافی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشاهده نشده است. از این رو ایران تهدیدی بالقوه محسوب نمی‌گردد (Clapper, 2013). همچنین گزارش سال ۲۰۱۳ موساد نیز تأییدی بر این مدعا بود. بنا به نوشته Times of Israel «موساد در سال ۲۰۱۳ طبق ارزیابی‌های خود بر این عقیده بود که ایران در این زمان قادر به انجام فعالیت‌های لازم برای تولید سلاح هسته‌ای نیست و این درست در تضاد با سخنرانی جنجالی نتانیاهو در سازمان ملل مبنی بر قریب‌الوقوع بودن رسیدن ایران به سلاح هسته‌ای می‌باشد» (Ginsburg, 2015).

از سوی دیگر توصیه گزارش «بازنگری دفاعی چهارساله آمریکا»^۱ نیز بر تصمیم اوباما مؤثر واقع شد که «راهبرد آمریکا در آینده باید ضمن توجه به پویایی محیط جهانی و منطقه‌ای و افزایش تهدیدات

نامتقارن، بر مبنای توجه به رشد هزینه‌های داخلی و امکان تضعیف قدرت نظامی این کشور اتخاذ گردد» (US Department of Defense, 2010). در این خصوص اواما (۲۰۱۳) طی سخنرانی خود در مؤسسه تحقیقاتی سابان^۱، تلویحاً به ناکارآمدی گزینه‌های غیردیپلماسی اشاره می‌کند: «اگر گزینه‌ای وجود داشت که این امکان را به وجود بیاوریم که تک‌تک پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای آنها را حذف کنیم و احتمال داشتن برنامه هسته‌ای ایران را کلاً از بین ببریم تا در نتیجه قابلیت‌های نظامی آن را هم نداشته باشند، آن را انتخاب می‌کردم» (Obama, 2013B).

همچنین تغییر تدریجی فضای سیاسی - امنیتی خاورمیانه به ضرر آمریکا، ضرورت تغییر نگاه به ایران و نزدیکی به این کشور را در راهبرد سیاست خارجی اواما توجیه می‌کرد. در حقیقت ناکارآمدی سیاست‌های آمریکا در منطقه به خصوص در رابطه با ارائه یک راه حل جامع برای از میان بردن تروریسم و خشونت داخلی در عراق و سوریه و همین طور خطر گسترش پدیده تروریسم فرامنطقه‌ای، موجب گردید تا آمریکا در یک تغییر تاکتیک، سیاست «ایران‌هراسی» را به تعامل با ایران و پذیرش نقش منطقه‌ای آن تبدیل نماید (Emery, 2013). اواما خود را مقید می‌دانست تا در جهت پاسخ‌گویی به نگرانی‌های بین‌المللی موجود پیرامون برنامه هسته‌ای ایران و اشتیاق افکار عمومی جهان در رابطه با انعقاد یک توافق هسته‌ای که تضمین‌کننده صلح و ثبات در جهان باشد، مسیر مذاکرات را با جدیت دنبال نماید (JINSA's Gemunder Center, 2013, p.6). در حقیقت این بخش از اراده اواما معطوف به «تفکر آرمان‌خواه آمریکایی است که بیانگر آرمان مترقی، بشردوستانه و متفاوت آمریکایی از دیگر جهانیان است که خداوند به آمریکایی‌ها اعطا کرده و باید برای رفع ارتجاع در همه جهان به کار بسته شود» (Brands, 1993, p.33).

بر این اساس، زمانی که اواما و متحدان بین‌المللی او به این ارزیابی رسیدند که روحانی فردی عمل‌گرا و علاقه‌مند به تعامل سازنده با نظام بین‌الملل به شمار می‌آید و ایران نیز از یک بازیگر غیرعقلانی به یک بازیگر عقلانی تغییر استراتژی داده است، این فرصت را مناسب دانستند تا با صرف یک سرمایه‌گذاری سیاسی بزرگ در جهت پیگیری سیاست معامله با ایران اقدام نمایند (JINSA's Gemunder Center, 2013, p.5). مجموعه این عوامل، اواما را بر آن داشت تا از فرصت حضور فردی عمل‌گرا در دولت ایران در راستای تغییر سیاست‌های چالش‌گرانه این کشور بهره‌گیری نماید. از این رو وی (۲۰۱۳)

در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل (مهر ۱۳۹۲) طی سخنرانی خود بیان می‌دارد: «در کوتاه‌مدت، تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا در دو موضوع خاص متمرکز خواهد بود: پیگیری مسئله تسلیحات هسته‌ای ایران و مناقشه اعراب و اسرائیل... ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی از هم جدا شده‌اند. این بی‌اعتمادی دارای ریشه‌های عمیق است... من اعتقاد ندارم که می‌توان یک شبه بر این سوءظن تاریخی غلبه پیدا کرد. اما من معتقدم که با حل مسئله برنامه هسته‌ای ایران بر اساس منافع و احترام متقابل، گامی بزرگ در جهت ایجاد یک ارتباط متفاوت برداشته خواهد شد... از این رو آمریکا ترجیح می‌دهد که مسئله برنامه هسته‌ای ایران را به صورت مسالمت‌آمیز حل کند... ما به دنبال جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌باشیم و نه به دنبال تغییر رژیم ایران» (Obama, 2013A). او با ما با اعلام این نوع موضع، هم به جامعه جهانی و هم به رهبران و مردم ایران، این علامت را داد که آمریکا به دنبال تغییر رفتار خود و تأکید بیشتر بر هم‌گرایی و دوری از یک‌جانبه‌گرایی می‌باشد. به طوری که بارزترین نمونه از حیث تغییر رفتار او با ما نیز در جریان همین نشست و در رابطه با تقاضای «گفت‌وگوی تلفنی» وی از روحانی نمود پیدا کرد.

از سوی دیگر جان کری نیز که به واسطه آمادگی بیشتر در بهره‌گیری از الگوهای مبتنی بر پیوند، دیپلماسی چندجانبه‌گرا و دیپلماسی عمومی در مدیریت بحران، جایگزین کلینتون در وزارت امور خارجه شده بود همانند او با ما در برخورد با رویکرد جدید ایران، با وجود آنکه از ابتدا مسئله اساسی برنامه هسته‌ای ایران را لزوم اثبات ماهیت صلح‌آمیز آن می‌دانست، لیکن بر تعامل و مذاکره به‌عنوان تنها راه حل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید می‌کرد (Gordon, 2013). به موازات چنین نگرشی، دولت او با ما تلاش کرد تا در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران، فرآیندی را در دستور کار خود قرار دهد که نشانه‌هایی از الگوی نرم‌افزاری قدرت را نمایان سازد. الگوی نرم‌افزاری قدرت زمانی حاصل می‌شود که آمریکا بتواند از قدرت متقاعدسازی^۱ سایر بازیگران برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماید. بر اساس الگوی مزبور، تلاش‌هایی در جهت مصالحه با ایران، هماهنگ‌سازی قدرت‌های جهانی و اقناع سایر بازیگران رسمی و غیررسمی مؤثر در روند مذاکرات هسته‌ای با ایران صورت گرفت.

الف) مصالحه‌گرایی آمریکا با ایران در جریان حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران

مصالحه‌گرایی یکی از ضرورت‌های قدرت نرم در سیاست خارجی کشورهای مختلف محسوب می‌شود. مصالحه‌گرایی در شرایطی از اهمیت لازم برخوردار است که زمینه‌های لازم برای همکاری‌های بازیگران در شرایط بحران را فراهم سازد. بحران هسته‌ای ایران به جهت تبعات امنیتی جهانی خود و بازخوردهای منفی آن برای ایران، ضرورت یک همکاری مشترک را میان آمریکا و ایران فراهم ساخت. بر این اساس، مقامات آمریکا با تغییر لحن و ادبیات کاربردی خود، مبادرت به جایگزین ساختن دیپلماسی تعامل‌گرا به جای دیپلماسی اجبار نمودند. دیپلماسی تعامل‌گرای آمریکا بر این اصل برقرار گردید که با دادن مشوق‌های لازم در عین ارائه تمهیدات بازدارنده تولید تسلیحات هسته‌ای، ایران را برای نشستن بر سر میز مذاکره متمایل گرداند. گزارش مؤسسه رند^۱ به این مسئله اشاره می‌کند: «ایالات متحده باید یک بسته هسته‌ای به ایران پیشنهاد کند که نه تنها ایران را از رسیدن به تسلیحات هسته‌ای بازدارد، بلکه این امکان را فراهم کند تا ایران بتواند به طور محترمانه از بحران مذکور خارج شود. به عبارت دیگر این بسته پیشنهادی از یک طرف شامل بازرسی‌های سرزده، محدودیت در تأسیسات هسته‌ای ایران و محدودیت در ذخیره‌سازی اورانیوم غنی شده و از طرف دیگر باید در بردارنده پذیرش حق غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌های موجود باشد» (Nader, 2013, p.6). بر این اساس ایالات متحده در قبال تعهدات انجام‌شده توسط ایران در چهارچوب توافق ژنو و برای ایجاد اعتماد در نزد مقامات ایرانی، افزون بر پذیرش حق غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، در طی حدود کمتر از یک سال تا توافق جامع هسته‌ای، به طور تدریجی و بر مبنای طرح قسط‌بندی، بخشی از دارایی‌های بلوکه شده ایران را آزاد نمود. همچنین در طول این مدت، با مجوز دولت آمریکا، ایران توانست به تدریج سقف صادرات نفت خود را که از سال ۲۰۱۲ به واسطه تحریم نفتی آمریکا، به زیر یک میلیون بشکه در روز رسیده بود را افزایش دهد.

مضافاً اینکه در چنین فضایی دولت اوباما تصمیم گرفت تا از دیپلماسی عمومی به موازات دیپلماسی رسمی^۲ بهره‌گیری نماید. با وجود آنکه پیش‌تر از این، اوباما به مکالمه عمومی با مردم ایران پرداخته بود، لیکن در طول مذاکرات هسته‌ای نیز به خصوص از فرصت سال نوبی ایرانی استفاده کرده و بیان می‌دارد: «معتقدم که ملت‌های ما موقعیتی تاریخی برای حل مسالمت‌آمیز این موضوع دارند. فرصتی

۱. مؤسسه رند (RAND Corporation) در سال ۱۹۴۸ با اهدافی چون ارتقاء علمی، آموزشی، رفاهی و امنیتی مردم و دولت آمریکا به‌عنوان یک سازمان مستقل و بی‌طرف پژوهشی - تحقیقاتی تأسیس گردید.

که نباید از دست بدهیم. یک توافق هسته‌ای می‌تواند درها را به آینده‌ای روشن‌تر باز کند. امسال ما بهترین فرصت را در چند دهه اخیر برای پیگیری آینده‌ای متفاوت برای کشورهای مان داریم» (Obama, 2015B). همچنین مقامات آمریکایی در امتداد تغییر لحن و ادبیات کاربردی خود، در سیاست‌های «ایران‌هراسی» نیز تجدیدنظر حداقلی نموده و با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون، درصدد ارائه تصویری مثبت از ایران در مقیاس داخلی و جهانی برآمدند. از جمله این ابزارها رسانه‌ها می‌باشند که یکی از اصلی‌ترین ابزارهای قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند. در این ارتباط مجموعه‌های مختلفی از شبکه‌های رسانه‌ای، تلاش دارند تا مشروعیت لازم را برای اقدامات سیاسی آمریکا فراهم سازند. با تغییر نگاه مقامات آمریکا به ایران، رسانه‌ها نیز در جهت همین دید، هر چند محدود به تولید برنامه پرداختند. در یک نمونه می‌توان به اقدام هنرمندان هالیوود در تولید کلیپ تبلیغاتی «صفر جهانی» (Global Zero) در حمایت از توافق ایران و پنج به علاوه یک اشاره نمود که با استقبال مخاطبین جهانی مواجه گردید.

بیلبوردهای تبلیغاتی درون آمریکا نیز از جمله دیگر رسانه‌های اجتماعی هستند که واقعیت‌های پیرامونی را بازتولید کرده و نمایانگر نگرش سیاست‌گذاران آمریکایی محسوب می‌شوند. برای نمونه هنگام حضور احمدی‌نژاد در نیویورک (شهریور ۱۳۹۰) متن بیلبوردهای سطح این شهر، محتوای «درحالی که پس از ده سال هنوز حادثه ۱۱ سپتامبر را فراموش نکرده‌ایم، شریک غیرفعال القاعده به نیویورک می‌آید» را منعکس می‌کرد (Young Journalist Club, 2012). اما در نقطه مقابل، پس از توافق جامع هسته‌ای، متن بیلبوردهای ایالت نیوجرسی، با نمایی از ظریف و کری، محتوای «کارکرد دیپلماسی. نه جنگ، نه بمب» را انعکاس می‌داد (Jahannews, 2015).

از سوی دیگر اواما در ادامه تلاش‌های خود در راستای تغییر وجهه ایران و تهدیدزدایی از آن، علاوه بر سخنرانی‌های متعدد، مقالات متعددی را نیز در نشریات معتبر آمریکایی منتشر نمود. در جدیدترین این مقالات که متن آن در سی نشریه معتبر آمریکایی بازنشر پیدا کرد، اواما (۲۰۱۵) تصریح می‌کند: «اکنون با این توافق، ایالات متحده و متحدان آمریکا به همراه جامعه جهانی می‌توانند مطمئن باشند که راه‌های دستیابی دولت ایران به سلاح هسته‌ای، با به کار گرفتن شرایط سخت و جدید، بسته شده و برنامه اتمی آن تنها با اهداف صلح‌آمیز ادامه خواهد یافت. از این رو ایران دیگر تهدیدی برای جامعه جهانی نیست» (Obama, 2015 C). این در حالی است که پیش‌تر اواما (۲۰۱۵) پیرو سیاست فوق‌الذکر، در ملاقات با هم‌پیمانان آمریکا در خلیج فارس بیان می‌دارد: «اعراب به جای صحبت درباره ترس از ایران، نگران آنچه در سوریه می‌گذرد، باشند» (Obama, 2015E).

ب) ائتلاف‌گرایی راهبردی آمریکا با قدرت‌های جهانی

موفقیت در مذاکرات مستلزم آن بود تا دیگر قدرت‌های جهانی نیز در این فرآیند مشارکت نمایند. این در حالی است که نگاه به تاریخ سیاست خارجی آمریکا در قرن بیستم نشان می‌دهد که این کشور عموماً از الگوی ائتلاف برای تحقق اهداف راهبردی خود استفاده می‌کند. با عطف به این الگوی راهبردی، مقامات آمریکا برای افزایش مشروعیت مذاکرات هسته‌ای با ایران، سیاستی را در پیش گرفتند که معطوف به چندجانبه‌گرایی بوده و در راستای جلب حمایت قدرت‌های دیگر عملیاتی گردیده است. بر مبنای همین راهبرد، جان کری بر این اعتقاد است که دولت ایران در گذشته دارای مشخصه‌های یک حکومت تهاجمی و غیرمنطقی بوده است. از این رو ادراک آمریکا از ایران، ماهیتی پر مخاطره را تداعی می‌کند. به طوری که برنامه هسته‌ای ایران، همواره بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت جامعه جهانی می‌باشد. با گذشت زمان، آمریکا به این نتیجه رسیده است که به‌رغم پیگیری همه گزینه‌های واقع‌بینانه، تنها راه رسیدگی به این چالش، دیپلماسی است. در این راستا، برای تأثیر هر چه بهتر دیپلماسی بر عملکرد ایران، نیازمند مشروعیتی بین‌المللی، و هماهنگی شرکای ما در پنج‌به‌علاوه‌یک می‌باشیم (JINSA's Gemunder Center, 2013). نشانه‌های این هماهنگی را می‌توان علاوه بر همراهی باقی کشورهای پنج‌به‌علاوه‌یک با آمریکا در طول مذاکرات، پیرامون عدم مخالفت آنها با «دستور کار اقدام مشترک»، «تفاهم لوزان»، «برنامه جامع اقدام مشترک» و همین‌طور «قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت» مشاهده نمود.

ج) متقاعدسازی سایر بازیگران مؤثر در روند مذاکرات هسته‌ای با ایران

در فرآیند معطوف به الگوی نرم‌افزاری قدرت، از آنجا که کنگره، افکار عمومی داخلی و همین‌طور متحدین آمریکا، نقش فزاینده‌ای در پیش‌برد و یا توقف روند مذاکرات هسته‌ای با ایران دارا می‌باشند، دولت اوپاما در تکمیل پروسه متقاعدسازی، متوجه سه عامل مؤثر فوق‌الذکر گردید. هم‌زمان با رایزنی‌های صورت گرفته، متقاعدسازی نمایندگان مجلس آمریکا در دستور کار جان کری قرار گرفت. کری به همراه وزیرای خزانه‌داری و انرژی چه پیش از توافق و چه پس از آن، جلسات خصوصی و عمومی بسیاری را با نمایندگان موافق و مخالف برگزار نمود. وی (2015) (مرداد ۱۳۹۴) در جمع نمایندگان کنگره با بیان اینکه «تسلیم محض ایران، رویاپردازی است. وقت آغاز مذاکره، ایران می‌توانست ۱۲ بمب اتم بسازد»، اضافه می‌کند: «از روزی که این گفتگوها آغاز شد، ما به صراحت اعلام کردیم که هیچ چیزی کمتر از توافق خوب را نخواهیم پذیرفت. ما به صراحت از همان ابتدا مشخص کردیم، منظورمان چیست. یعنی توافقی که همه چهار مسیر دستیابی به بمب اتمی را مسدود کند. یعنی دو مسیر از طریق اورانیوم و یک مسیر فراوری پلوتونیوم و یک مسیر مخفی. ما استانداردهای خود را مشخص کردیم. ما معتقدیم به

این استانداردها دست یافته‌ایم» (Kerry, 2015). از این حیث نیز می‌توان نشانه توفیق در متقاعدسازی را در رأی بالای نمایندگان دموکرات سنا به توافق جامع هسته‌ای و بی‌اثر شدن رأی منفی اکثریت جمهوری خواه مجلس سنای آمریکا مشاهده کرد. در رأی‌گیری نمایندگان مجلس سنای آمریکا در خصوص کفایت مذاکرات هسته‌ای با ایران، رأی مخالف ۴۲ سناتور دموکرات در مقابل ۵۸ رأی موافق سناتورهای عمدتاً جمهوری خواه موجب گردید تا از یک سو این طرح به حد نصاب ۶۰ رأی لازم در مجموع ۱۰۰ رأی نمایندگان سنا نرسد و از سوی دیگر نیازمند وتوی ریاست جمهوری در صورت مخالفت اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا نباشد (Aftabnews, 2015).

همچنین با توجه به اینکه اوباما با تأکید بر فشار اقتصادی حاکم بر مردم آمریکا به جهت جنگ‌افروزی‌های دولت بوش و بحران اقتصاد جهانی، توانسته بود با بهره‌گیری از برگه تقویت اقتصاد داخلی و دموکراسی در نهایت پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شود، جان کری (۲۰۱۳) نیز بر مبنای همین رویکرد انتخاباتی دموکرات‌ها، «با عنوان این نکته که تنها راه جایگزین مذاکرات با ایران، یک جنگ دیگر در خاورمیانه است، توانست به طرز موفقیت‌آمیزی، حمایت گسترده افکار عمومی آمریکا را از مذاکرات به دست آورده و اجماعی را در نقطه مقابل کنگره و نمایندگان جمهوری خواه جنگ طلب آن و همین‌طور لابی نفوذ اسرائیل ایجاد نماید» (Emery, 2013). در این رابطه قابل اشاره است که با وجود تناقض‌های فراوان میان نتایج نظرسنجی مؤسسه‌های مختلف آمریکایی، و اذعان به این مسئله که افکار عمومی آمریکا بر سر توافق هسته‌ای با ایران به شکل فزاینده‌ای حزبی و دوقطبی شده است، طبق نظرسنجی «برنامه مشاوره عمومی دانشگاه مریلند» که به واسطه عواملی چون ارائه متن نظرسنجی یک ماه پس از توافق جامع هسته‌ای، اعتبار علمی مرکز و همین‌طور پرداخت سؤالات دقیق و جزئی در رابطه با مزایای توافق هسته‌ای با ایران، از اعتبار بالایی نسبت به دیگر مؤسسه‌های نظرسنجی برخوردار است، می‌توان به این نتیجه رسید که اکثریت نسبی آمریکایی‌ها از این توافق حمایت می‌کنند. برای نمونه پرسش‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که آیا به نماینده خود در کنگره آمریکا توصیه می‌کنند که توافق هسته‌ای با ایران را تأیید کند یا نه. این‌گونه جواب داده‌اند: ۵۵ درصد تأیید توافق را توصیه کرده‌اند که از این تعداد ۷۲ درصد دموکرات، ۶۱ درصد مستقل، و ۳۳ درصد جمهوری خواه هستند. ۲۳ درصد تشدید تحریم‌ها را پیشنهاد کردند. نظر ۱۴ درصد بر مذاکره دوباره بر سر توافق است و ۷ درصد به استفاده از تهدید نظامی اعتقاد دارند (Kull, 2015).

از سوی دیگر با توجه به اهمیت فزاینده نقش متحدین آمریکا در رقابت‌های ساختاری به‌خصوص هم‌پیمانان عرب آمریکا در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، طبعاً نگرانی آنها از مسائلی چون تغییر توازن منطقه به نفع شیعیان پس از توافق هسته‌ای، افزایش قدرت ایران و احتمال افزایش تهدیدات امنیتی، و همین‌طور احتمال اثرگذاری این نگرانی‌ها بر نوع رابطه اعراب و آمریکا، موجب حساسیت و واکنش مقامات آمریکایی می‌گردد. جان کری (۲۰۱۳) همواره بر این مسئله تاکید می‌کرد که «شک و تردید اسرائیل و متحدین عرب آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران واقع‌بینانه است، اما مسئولیت تاریخی وی اقتضاء می‌کند تا با امتحان راه‌حل دیپلماتیک، منطقه را برای اسرائیل و متحدین آمریکا امن‌تر گرداند» (Gordon, 2013). در این خصوص، تلاش‌های دیپلماتیک اوپاما و کری برای رفع ترس و نگرانی اعراب و اسرائیل، پس از تفاهم لوزان در قالب برگزاری نشست کمپ دیوید با حضور شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، و پس از توافق جامع هسته‌ای در قالب دیپلماسی فعال منطقه‌ای جان کری و اشتون کارتر (وزیر دفاع آمریکا) و با رویکرد دادن تضمین‌های امنیتی لازم عملیاتی گردید. پیرامون عملکرد موفق دولت اوپاما در متقاعدسازی اعراب لازم به ذکر است که با وجود واکنش سرد و محتاطانه اعراب به‌خصوص عربستان سعودی، تمام کشورهای عربی از توافق حاصله که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شده و علاوه بر آن، امنیت منطقه را تضمین و موجب بهبودی روابط کشورهای منطقه خواهد شد، حمایت نمودند.

د) هنجارسازی بین‌المللی با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱

در قالب نقش ملی «پلیس جهانی»^۱، هدف ایالات متحده تأثیرگذاری بر واحدهای دیگر و وادار کردن آنها به انجام رویه رفتاری است که با اهداف و الگوهای ایالات متحده هماهنگی داشته باشند. ضرورت رسیدن به این هدف، ایالات متحده را بر آن داشته است تا اهداف راهبردی خود را در چهارچوب قواعد جهانی در سازمان ملل متحد مورد توجه قرار دهد. به این ترتیب، ایالات متحده در طول چند دهه اخیر، درصدد کسب مشروعیت نهادهای بین‌المللی برای تحقق اهداف راهبردی خود می‌باشد. با دستیابی به توافق جامع هسته‌ای میان ایران و پنج‌به‌علاوه یک در ۲۳ تیر ۱۳۹۴، ایالات متحده در تلاش بود تا با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت، ضمن لغو شش قطعنامه پیشین علیه ایران، الگوی رفتاری کشورهای عضو سازمان ملل را با توجه به تغییرات صورت گرفته هدایت نماید. بر این اساس، آمریکا با

وارد کردن بندهایی در متن قطعنامه، با محتوای پذیرش حق غنی‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، ضرورت لغو تحریم‌ها و اطمینان‌بخشی بر اینکه ایران هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی در پی سلاح‌های هسته‌ای، تولید و یا به‌دست آوردن آنها نخواهد بود (UN Security Council, 2015)، سعی نموده است تا از یک‌سو رضایت ایران را فراهم آورده و از سوی دیگر چهره جهانی ایران را بر مبنای یک عنصر مطلوب و هم‌زیست خواه تصویرسازی نماید تا موجب شناسایی ایران به مثابه بازیگری صلح‌طلب توسط جامعه بین‌المللی شود. اواما (۲۰۱۵) در این رابطه پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ بیان می‌دارد: «این قطعنامه رویکرد قاطع ماست به منظور تضمین این مسئله که ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست. در این مسئله اجماع بین‌المللی گسترده‌ای وجود دارد که نه فقط جامعه بین‌المللی، بلکه کارشناسان تسلیحات هسته‌ای را نیز دربرمی‌گیرد» (Obama, 2015D).

نتیجه‌گیری

تحلیل گران سیاست جهانی از برنامه هسته‌ای ایران به مثابه چالشی بزرگ در سیاست بین‌الملل یاد می‌کنند. در عین حال هم‌ایشان با مشاهده روند مذاکره و توافق به‌دست آمده از این طولانی‌ترین دیپلماسی چندجانبه، همچون فرصتی برای تحلیل نظری و گونه‌ای کلاس درس دیپلماسی یاد می‌کنند. در تأکید بر این مهم، پرسشی اساسی زمینه‌ساز پژوهش حاضر شد و آن اینکه چه عامل یا عواملی سبب توفیق و به‌ثمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای با طرف مقابل غربی شده است. نویسندگان مقاله حاضر با واکاوی اهداف و نوع بازی دیپلماتیک طرف‌های درگیر در مذاکره به‌ویژه ایران و آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه تحت نام ماهیت نرم‌افزاری قدرت نامیده می‌شود، تسهیل‌کننده عمده شرایط توافق هسته‌ای بوده است. اهمیت این دستاورد آنجاست که نشان می‌دهد چگونه در این وضعیت، دولت‌های درگیر توانستند با لحاظ ابعاد پارادایم قدرت نرم مثل مذاکره، تغییر لحن، ادبیات نوآیینی چون دیپلماسی هسته‌ای، اقلان‌سازی و اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی به اهداف پیش‌گفته دست یازند. بر این اساس برخی مؤلفه‌های مشخص را ما به‌عنوان دستاورد پژوهش مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱. ریشه‌یابی فضای حاکم بر سیاست داخلی و خارجی دو طرف اصلی مذاکره (ایران-آمریکا) نشان می‌دهد عدم توفیق در این دیپلماسی در طول سال‌های گذشته متأثر از فضای ایدئولوژیک ناشی از تأکید بر قدرت سخت در هر دو کشور بوده است. شرایطی که با اتخاذ سیاست تعاملی ناشی از نگاه نرم‌افزاری اواما و روحانی به نتایج متفاوت رسید.

۲. معنای اهمیت یافتن رویکرد نرم‌افزارانه عبارت از این است که اینک کلیدواژگانی چون تأکید بر تعامل سازنده با جهان، تنش‌زدایی در سیاست خارجی، دیپلماسی تعامل‌گرا به جای دیپلماسی اجبار و تهدید و ایده توسعه روابط بر مبنای منافع ملی به هسته اصلی سازوکارهای تصمیم‌گیری در سیاست تبدیل شده است.

۳. ملاحظه در توفیق به دست آمده در مذاکره که در پیش‌برد برنامه‌های صلح‌طلبانه به کار آمد، می‌تواند حتی با لحاظ اهمیت داشتن هدف مبتنی بر سیاست واقع‌گرایانه حفظ و تأمین امنیت و منافع ملی کارآمد باشد.

۴. وجود بحران‌های دامن‌گیر جهان در اینجا و آنجا مسئله‌ای نیست که بتوان کتمان کرد. با این اوصاف استفاده از بسترهای فراهم آمده از قدرت نرم بهترین امکان برای مواجهه با چالش‌های جهانی می‌باشد. به نظر می‌رسد نشست اخیر دوازده قدرت در وین (آبان ماه ۱۳۹۴) پیرامون مسئله سوریه، یکی از آثار ناشی از توفیق در حل مشکل غرب و ایران است که به امکان حل معضل چندین ساله خاورمیانه مساعدت خواهد کرد.

زمانی شومپتر (۱۹۸۹) متفکر و اقتصاددان معروف گفته بود: «جنگ‌ها عرصه‌ای هستند که در آن مردگان بر زندگان حکومت می‌کنند» (Schumpeter, 1996, p.33). به گمان ما با واقع‌بینی ناشی از آنچه برخورد هرازگاهی دولت‌ها بر سر خواسته‌ها و منافع ایشان است، باید گفت حتی با تأکید و اهمیت بر عنصر نرم‌افزاری نظریه و عمل در سیاست، اما باز امکان تجلی سیاست‌های تنگ‌نظرانه ناشی از قدرت سخت، دور از انتظار نیست. پس بایسته است با شرایط مناسب ناشی از سپهر عمومی که وام‌دار قدرت نرم است و افکار عمومی آماده برای فهم آثار مفید این وضعیت در نهادینه کردن و دستاوردهای دیگر این پارادایم کوشا باشیم و در معنای آکادمیک، این مهم را به عرصه آموزش دانش سیاسی تبدیل کنیم.

References

- Abdolahkhani, A., & Kardan, A. (2011). *American attitudes and plans about Iran*, Tehran: Publication of Abrar-e- moaser. (in persian)
- Ashna, H. (2004). Culture, Communications and Foreign Policy: a Model for Public Diplomacy, *Journal of the University of Imam Sadeq (AS)*, 21, 227-263. (in persian)
- Aftabnews. (2015). Heavy defeat Republican/Obama: this is triumph of diplomacy, *Aftabnews Website*, Sep 11. 2015, Accessed September 2015, Available from: <http://aftabnews.ir/fa/news/318671>. (in persian)

- Ahadi, A. (2009). Iran's nuclear program from the perspective of public diplomacy, *Rahbord*, August 2009, 51, 249-270. (in persian)
- Bagheri, A., & M. Shafi'ee. (2014). *Hashemi to Rowhani: Iran's foreign policy in the light of Constructivism*, Tehran: Publication of Tisa. (in persian)
- Brands, H. W. (1993). *Bound to empire: The Us and the Philippians*. New York: Oxford University Press.
- Cheginizadeh, M. (2006). Pathology of National Strategic Management, in: *Take the Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*, Hossein Norouzi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Publications Center. (in persian)
- Clapper, J. R. (2013). Statement for the Record Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community. Office of Director of National Intelligence, *the National Security Archive*, Mar 12. 2013, Accessed September 1. 2015, 1-34, Available from: <http://nsarchive.gwu.edu>
- Darya'ee, M. H. (2013). *Geneva nuclear talks between Iran and 5+1*, Tehran: Publication of Etela'at. (in persian)
- Eftekhari, A. et al., (2008). *Soft Power: Culture and Security*, Tehran: Publication of imam sadeq (as) university and Studies and Research Institute of basij. (in persian)
- Entekhab. (2013A). John Kerry: met with Zarif, his tone was different reality, *Entekhab News Website*, Sep 25. 2013, Accessed September 2015, Available from: <http://www.entekhab.ir/fa/news/13069>. (in persian)
- Entekhab. (2013B). Twitter conversation Zarif with Son of an American senior official, *Entekhab News Website*, Sep 6. 2013, Accessed September 2015, Available from: <http://www.entekhab.ir/fa/news/127745> .(in persian)
- Emery, C. (2013). Trust, not sanctions, was the key to the nuclear deal with Iran. *The Londen School of Econimics and Political Science*, Dec 3. 2013, Accessed September 8. 2015, Available from: <http://blogs.lse.ac.uk/euoppblog/2013/12/03/trust-not-sanctions-was-the-key-to-the-nuclear-deal-with-iran>
- Foreign policy. (2015). A Transaction Does Not a Deal Make, *Foreign Policy*, Apr 6. 2015, Accessed September 8. 2015, Available from: <http://foreignpolicy.com/2015/04/06/a-transaction-does-not-a-deal-make-iran>
- Ginsburg, M. (2015). Mossad cables hardly contradict Netanyahu on Iran, *Times of Israel*, Feb 24. 2015, Accessed September 5. 2015, Available from: <http://www.timesofisrael.com/mossad-cables-prove-hardly-contradictory>

- Gordon, R. M. (2013). Accord Reached With Iran to Halt Nuclear Program. *New York Times*, Nov 23. 2013, Accessed September 23. 2015, Available from: http://www.nytimes.com/2013/11/24/world/middleeast/talks-with-iran-on-nuclear-deal-hang-in-balance.html?_r=0
- Harmidasbavnd, D. (2014). What is mean about walking Zarif and Kerry?, *Irdiplomacy Website*, Jan 30. 2015, Accessed September 2015, Available from: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1943602> . (in persian)
- Jahannews. (2014). Zarif billboards in New Jersey, *Jahannews Website*, Aug 25. 2015, Accessed September 2015, Available from: <http://jahannews.com/vgle778eejh8ep2.9jbjbrz.html> (in persian)
- Imamzadehfard, P. (2010). Check the status of soft power in politics: from antiquity to modern times, *Political Studies*, 7. (in persian)
- Izadi, J. (2010). *The Islamic Republic of Iran's diplomacy: foreign policy, energy, nuclear*, Tehran: Publication of Abrar-e- moaser.
- Jervis, R. (2013). Getting to yes with Iran (The Challenges of Coercive Diplomacy), *Foreign Affairs*, Jan/Feb 2013, Accessed September 1. 2015, Available from: <https://www.foreignaffairs.com/articles/cuba/2012-12-03/getting-yes-iran>
- JINSA's Gemunder Center Iran Task Force. (2013). Principles for diplomacy with Iran, *Report of JINSA's Gemunder Center Iran Task Force*, October 2013.
- Joint Comprehensive Plan of Action. (2013). Nov 24. 2013, Accessed September 1. 2015, Available from: <http://eeas.europa.eu/statements/docs/2013/13112403en.pdf>
- Kerry, J. (2015). Iran submission is dreaming, *Asriran News Website*, Jul 23. 2015, Accessed September 2015, Available from: <http://www.asriran.com/fa/news/407553> . (in persian)
- Kull, Steven. (2015). the Iran Deal: The More People Hear, the More They Like it. Center for International Security Studies at Maryland, *Hoffpost Politics*, Jul 2015, Accessed September 11. 2015, Available from: <http://www.huffingtonpost.com/steven-kull/the-iran-deal-the-more-peb7868822.html>
- Lukes, S. (1996). *Power: a Radical View*, translated by Emad Afrough, Tehran: Publication of Rasa. (in Persian)
- Motaghi, I., & Poostinchi, Z. (2012). The evolution of Soft power in America's foreign policy, Tehran: Publication of Saghi. (in persian)
- Motaghi, I. (2012). John Kerry and Public Diplomacy, *Ghanoun*, 45, 6. (in persian)
- Motaghi, I. (2015). Double contrast, *Mehrnameh*, 41, 163-166. (in persian)

- Mousavian, H. (2014). The Solution to the Iranian Nuclear Crisis and Its Consequences for the Middle East, *Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations*, October-December 2014, 20(4), 529-544.
- Nader, A. (2013). *Rouhani's Election: Regime Retrenchment in the Face of Pressure*, Published 2013 by the RAND Corporation .
- Nasiri, M. (2011). *Private International Law*, Tehran: Agah. (in persian)
- Nye, J. (2008). *The powers to lead*, translated by Mahmoudreza Golshanpajoo and Elham Shoushtarizadeh, Tehran: Publication of Abrar-e- moaser. (in persian)
- Nye, J. (2013). *The future of power*, translated by Ahmad Azizi, Tehran: Publication of Ney. (in persian)
- Obama, B. (2013A). Remarks by President Obama in Address to the United Nations General Assembly, *White House Office of the Press Secretary*, Sep 24. 2013, Accessed September 3. 2015, Available from: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2013/09/24/remarks-president-obama-address-united-nations-general-assembly>
- Obama, B. (2013B). Remarks by the President in a Conversation with the Saban Forum. *White House Office of the Press Secretary*, Dec 7. 2013, Accessed September 5. 2015, Available from: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2013/12/07/remarks-president-conversation-saban-forum>
- Obama, B. (2015A). Exclusive: Full text of Reuter's interview with Obama. *Reuters News Agency*, Mar 2. 2015, Accessed September 1. 2015, Available from: <http://www.reuters.com/article/2015/03/02/us-usa-obama-transcript-idUSKBN0LY2J820150302>
- Obama, B. (2015B). Remarks by President Obama on Nowruz. *White House Office of the Press Secretary*, Mar 19. 2015, Accessed September 12. 2015, Available from: www.whitehouse.gov/the-press-office/2015/03/19/remarks-president-obama-nowruz
- Obama, B. (2015C). Obama: Nuclear deal, regardless of what detractors like Menendez say. Will disarm Iran, Star-Ledger Guest Columnist, and Aug 19. 2015, Accessed September 1. 2015, Available from: http://www.nj.com/opinion/index.ssf/2015/08/president_obama_iran_nuclear_deal_regardless_of_wh.html .
- Obama, B. (2015D). Obama touts U.N. support for Iran deal. *USA TODAY*, Jul 20. 2015, Accessed September 20. 2015, Available from:

- <http://www.usatoday.com/story/news/politics/2015/07/20/obama-iran-nuclear-agreement-congress-united-nations-security-council/30413341/>
- Obama, B. (2015E). Arabs instead of talking about the fear of Iran, are concerned about what is happening in Syria, *Entekhab News Website* Apr 11. 2015, Accessed September 5. 2015, Available from: <http://www.entekhab.ir/fa/news/198127>. (in persian)
- Parasiliti, A. (2009). Iran: Diplomacy and Deterrence, *Survival: Global Politics and Strategy*, Sep 28. 2009, Accessed September 1. 2015, Available from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00396330903309824#.VZ7Y6LU0rNQ>
- Parsi, T., & Myers, J. (2012). A Single Roll of the Dice: Obama's Diplomacy with Iran. *Carnegie Council for Ethics in International Affairs*, Jan 10. 2012.
- Reza'ee, A., & Torabi, Q. (2013). Hassan Rouhani administration's foreign policy, constructive engagement in the context of development-oriented government, *Political International Researches*, 15, 131-162.
- Rothkopf, D. J. (1998). Cyberpolitics: The Changing Nature of Power in the Information Age. *Journal of International Affairs*, 23(2), Spring 1998.
- Rouhani, H. (2013A). Khatami's government with the current government comparable I don't know, *Entekhab news website*, May 4. 2013, Accessed September 2015, Available from: <http://www.entekhab.ir/fa/news/109542> . (in persian)
- Rouhani, H. (2013B). Nuclear view, *Rouhani Website*, Jul 2. 2013, Accessed September 2015, Available from: <http://www.rouhani.ir> . (in Persian)
- Rouhani, H. (2013C). United States is sheriff, *Mehrnews Website*, May 13. 2013, Accessed September 2015, Available from: <http://www.mehrnews.com/news/2054218> . (in persian)
- Rouhani, H. (2013D). Has passed during of bloody feuds, *Entekhab News Website*, Sep 2013, Accessed September 2015, and Available from: <http://www.entekhab.ir/fa/news/129739> . (in persian)
- Schumpeter, J. (1996). *Capitalism, Socialism, and Democracy*, translated by Hasan Mansour, Tehran: Publication of Markaz.
- Toffler, A. (1991). *Powershift: knowledge, wealth, and violence at the edge of the 21st century*, translated by Shahindokht kharazmi, Tehran: author. (in persian)
- The guardian. (2013). Iran: Hello diplomacy, so long martyrdom, *Guardian*, Sep 21. 2013.
- US Department of Defense. (2010). *Quadrennial Defense Review (QDR)*, Feb 2010, Accessed September 1. 2015, Available from:

- http://www.defense.gov/qdr/images/QDR_as_of_12Feb10_1000.pdf
UN Security Council. (2015). *Resolution 2231*, Jul 20. 2015, Accessed September 1. 2015, Available from:
www.un.org/en/sc/inc/pages/pdf/pow/RES2231E.pdf
- Young Journalist Club. (2012). Mobile Billboard Ahmadinejad in America, Jul 25. 2012, about what is happening in Syria, *yjc Website*, Apr 11. 2015, Accessed September 2015, Available from: <http://www.yjc.ir/fa/news/403388>. (in persian)
- Zarif, M. J. (2013A). Zarif's statement on nuclear issue, *Alef News Website*, Aug 23.2013, Accessed September 2015, Available from:
<http://alef.ir/vdcgn39qtak9yt4.rpra.html?196454>. (in persian)
- Zarif, M. J. (2013B). An important step taken / 5+1 need time to, *fararu Website*, Aug 23. 2013, Accessed September 2015, Available from:
<http://fararu.com/fa/news/165981>. (in persian)
- Zarif, M. J. (2014A). Zarif's speech at the conference nuclear diplomacy, *iribnews Website*, Dec 2. 2013, Accessed September 2015, Available from:
<http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=314582>. (in persian)
- Zarif, M. J. (2014B). The boycott Failed by elections, not by negotiations, *Asriran News Website*, Aug 25. 2015, Accessed September 2015, Available from:
<http://www.asriran.com/fa/news/413802>. (in persian)